



بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان گلستان با تأکید بر توسعه اقتصادی و صنعتی

محمد رضا دیلمی راد^{۱*}، مجتبی رنجبر^۲

چکیده	اطلاعات مقاله
استان گلستان، با وجود پتانسیل‌های طبیعی، انسانی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، همچنان در زمره مناطق کم‌تر توسعه یافته ایران قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی این استان، با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و صنعتی، انجام شده است. عوامل بازدارنده شامل ضعف زیرساخت‌های صنعتی و حمل و نقل، وابستگی بیش از حد به بخش کشاورزی، ناکارآمدی مدیریت منابع و کمبود سرمایه گذاری شناسایی شدند. تنوع قومیتی، اگرچه پتانسیلی برای توسعه است، به دلیل مدیریت ناکارآمد، گاه به چالشی اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است. این مطالعه با بهره گیری از رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) و چارچوب نظری توسعه پایدار، وابستگی اقتصادی و سرمایه اجتماعی، به تحلیل موانع توسعه پرداخته است. داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مدیران و کارشناسان، تحلیل محتوای اسناد رسمی و داده‌های آماری (۱۳۹۵-۱۴۰۳) گردآوری شدند. نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و صنعتی تأثیری معنادار بر توسعه نیافتگی دارند. راهکارهای پیشنهادی شامل تقویت زیرساخت‌ها، تنوع بخشی اقتصادی، توسعه صنایع تبدیلی، و افزایش مشارکت اجتماعی است. این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران مورد استفاده قرار گیرد.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸
توسعه نیافتگی، توسعه اقتصادی، توسعه صنعتی، استان گلستان	کلیدواژه‌ها

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

* نویسنده مسئول: محمد رضا دیلمی راد

ایمیل: m.deilamirad53@gmail.com

۱. دانشجوی دکترای مدیریت توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار مدیریت و حسابداری، موسسه آموزش عالی شرق گلستان، گنبد کاووس، ایران

مقدمه

توسعه‌نیافتگی یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات توسعه، اقتصاد، و جغرافیای انسانی است که به شرایطی اشاره دارد که در آن یک منطقه یا کشور از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح پایینی از پیشرفت قرار دارد. این پدیده با شاخص‌هایی مانند درآمد سرانه پایین، فقر گسترده، نرخ بالای بیکاری، کمبود زیرساخت‌های صنعتی و دسترسی محدود به آموزش و خدمات بهداشتی مشخص می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۶). توسعه‌نیافتگی بویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به‌عنوان یک چالش اساسی مطرح است که ریشه‌های آن را می‌توان در عوامل تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، و اقتصادی جستجو کرد. در ایران، مناطقی مانند استان گلستان، با وجود پتانسیل‌های طبیعی و انسانی قابل توجه، همچنان با موانع توسعه‌ای مواجه‌اند که ناشی از عواملی مانند ضعف زیرساخت‌ها، وابستگی به بخش کشاورزی و مدیریت ناکارآمد منابع است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا شناخت دقیق این عوامل می‌تواند به تدوین سیاست‌های مؤثر برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و ارتقای کیفیت زندگی کمک کند. استان گلستان، واقع در شمال شرق ایران، با وجود برخورداری از منابع طبیعی غنی، تنوع قومیتی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، همچنان در زمره مناطق کم‌تر توسعه‌یافته کشور قرار دارد. این استان با دسترسی به دریای خزر، هم‌مرزی با ترکمنستان و دارا بودن زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و منابع طبیعی مانند جنگل‌ها و مراتع، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی و صنعتی دارد. با این حال، شاخص‌های توسعه اقتصادی و صنعتی در گلستان نشان‌دهنده عقب‌ماندگی قابل توجهی نسبت به میانگین ملی است. نرخ بالای بیکاری، کمبود سرمایه‌گذاری صنعتی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، و وابستگی بیش از حد به بخش کشاورزی از جمله چالش‌هایی هستند که مانع از تحقق ظرفیت‌های توسعه‌ای این منطقه شده‌اند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶). این مطالعه با هدف شناسایی و تحلیل عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی و صنعتی در استان گلستان انجام می‌شود و تلاش دارد با بهره‌گیری از منابع علمی و بومی، چارچوبی جامع برای درک موانع توسعه و ارائه راهکارهای عملی فراهم آورد.

توسعه اقتصادی و صنعتی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت هر منطقه، نقش کلیدی در کاهش فقر، ایجاد اشتغال، و بهبود کیفیت زندگی ایفا می‌کند. در استان گلستان، با وجود پتانسیل‌های صادراتی و تجاری، عواملی مانند ناکارآمدی مدیریت منابع، کمبود زیرساخت‌های صنعتی و ضعف در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها شده‌اند (رحمانی، ۱۴۰۲). افزون بر این، تنوع قومیتی و فرهنگی در این استان، اگرچه می‌تواند به‌عنوان یک مزیت رقابتی در جذب سرمایه‌گذاری و توسعه گردشگری عمل کند، در برخی موارد به دلیل مدیریت ناکارآمد به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شده است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). این پژوهش با تمرکز بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و مدیریتی، به دنبال ارائه تحلیلی جامع از دلایل توسعه‌نیافتگی گلستان و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود وضعیت این استان است.

بررسی عوامل توسعه‌نیافتگی گلستان از منظر اقتصادی و صنعتی، نه‌تنها به درک بهتر چالش‌های منطقه‌ای کمک می‌کند بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر مناطق کمتر توسعه‌یافته ایران مورد استفاده قرار گیرد.

توسعه اقتصادی و صنعتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران شناخته می‌شود. استان گلستان با وجود پتانسیل‌های طبیعی و انسانی، همچنان از شکاف توسعه‌ای قابل توجه نسبت به سایر مناطق کشور رنج می‌برد. شاخص‌هایی مانند نرخ بیکاری بالا (حدود ۱۲ درصد در سال ۱۴۰۲ بر اساس گزارش مرکز آمار ایران) و سهم پایین تولید صنعتی در تولید ناخالص داخلی استان (کم‌تر از ۱۵ درصد در مقایسه با میانگین ملی ۲۵ درصد) نشان‌دهنده نیاز فوری به بررسی موانع توسعه در این منطقه است (کریمی، ۱۴۰۱). شناخت دقیق این موانع می‌تواند به تدوین سیاست‌های مؤثر برای بهبود وضعیت اقتصادی و صنعتی منجر شود.

موقعیت جغرافیایی گلستان و نزدیکی آن به بازارهای منطقه‌ای، بویژه کشورهای آسیای میانه، فرصت بی‌نظیری برای توسعه تجارت و صنعت فراهم می‌کند. با این حال، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مانند بندر و راه‌آهن، مانع از بهره‌برداری کامل از این مزیت شده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹). تقویت زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی می‌تواند به

افزایش توان رقابتی این استان در بازارهای بین‌المللی کمک کند. این امر نه تنها به اقتصاد منطقه‌ای، بلکه به اقتصاد ملی نیز سود می‌رساند.

تنوع قومیتی و فرهنگی در گلستان، اگرچه یک مزیت بالقوه است، اما به دلیل فقدان برنامه‌ریزی مناسب، گاهی به‌عنوان مانعی برای توسعه عمل کرده است. مسائل اجتماعی مانند نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی و آموزشی در میان گروه‌های قومی گوناگون، باعث شده است که برخی از ظرفیت‌های انسانی این منطقه به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگیرد (محمدی، ۱۴۰۰). در نهایت، این مطالعه می‌تواند به‌عنوان یک الگوی پژوهشی برای سایر مناطق کمتر توسعه‌یافته ایران مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به شباهت‌های ساختاری بین گلستان و سایر استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان و کردستان، نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های کلان در سطح ملی کمک کند. بنابراین، این پژوهش نه تنها برای توسعه گلستان، بلکه برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح کشور نیز از اهمیت برخوردار است.

مبانی نظری

این پژوهش از سه چارچوب نظری اصلی بهره می‌گیرد: نظریه توسعه پایدار، نظریه وابستگی اقتصادی و نظریه سرمایه اجتماعی. این نظریه‌ها به‌صورت ترکیبی، امکان تحلیل جامع عوامل توسعه‌نیافتگی در استان گلستان را فراهم می‌کنند و با ارائه دیدگاه‌های چندجانبه، به درک عمیق‌تری از موانع اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی این منطقه کمک می‌کنند.

نظریه توسعه پایدار

نظریه توسعه پایدار که ریشه در گزارش برانتلند (۱۹۸۷) دارد، بر ایجاد توازن بین سه بعد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تأکید دارد (رحیمی، ۱۳۹۶). این نظریه استدلال می‌کند که توسعه موفق تنها زمانی محقق می‌شود که رشد اقتصادی با حفظ منابع طبیعی و ارتقای عدالت اجتماعی همراه باشد. در مورد استان گلستان، وابستگی بیش از حد به بخش کشاورزی و بهره‌برداری غیرپایدار از منابع طبیعی، مانند جنگل‌ها، مراتع، و منابع آبی، به‌عنوان یکی از موانع اصلی توسعه پایدار شناخته می‌شود (رحمانی، ۱۴۰۲). برای مثال، فرسایش خاک ناشی از کشاورزی غیراصولی و تخریب جنگل‌ها، ظرفیت تولید بلندمدت منطقه را کاهش داده است. در بعد اجتماعی، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی و آموزشی بین گروه‌های قومی گوناگون، مانع از تحقق عدالت اجتماعی شده است. این نظریه به ما کمک می‌کند تا عوامل بازدارنده توسعه را در سه سطح خرد (محلی، مانند مدیریت منابع آب در روستاها)، میانی (منطقه‌ای، مانند زیرساخت‌های حمل‌ونقل)، و کلان (ملی، مانند سیاست‌های تخصیص بودجه) بررسی کنیم. افزون بر این، نظریه توسعه پایدار بر اهمیت مشارکت جامعه محلی و توانمندسازی گروه‌های گوناگون قومی در گلستان تأکید دارد. این چارچوب پیشنهاد می‌دهد که توسعه صنعتی باید با حفظ محیط زیست و تقویت انسجام اجتماعی همراه باشد تا از پایداری بلندمدت اطمینان حاصل شود.

نظریه وابستگی اقتصادی

نظریه وابستگی اقتصادی که توسط اقتصاددانانی مانند آندره گوندر فرانک و امانوئل والرشتاین توسعه یافته است، به تحلیل نقش ساختارهای اقتصادی کلان در توسعه‌نیافتگی مناطق حاشیه‌ای می‌پردازد (کریمی، ۱۴۰۱). این نظریه استدلال می‌کند که مناطق حاشیه‌ای، مانند گلستان، به دلیل وابستگی به اقتصاد مرکزی و عدم تنوع بخشی اقتصادی، در چرخه توسعه‌نیافتگی گرفتار می‌شوند. در گلستان، وابستگی بیش از حد به بخش کشاورزی (که بیش از ۴۰ درصد اقتصاد منطقه را تشکیل می‌دهد) و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و خدماتی، نمونه‌ای بارز از این وابستگی است. این نظریه همچنین، به نقش سیاست‌های کلان اقتصادی، مانند تمرکززدایی ناکافی و تخصیص نامتوازن منابع ملی، در تداوم توسعه‌نیافتگی اشاره دارد. برای مثال، بودجه‌های محدود تخصیص‌یافته به زیرساخت‌های صنعتی و حمل‌ونقل در گلستان، مانع از بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک این استان برای تجارت با کشورهای آسیای میانه شده است. نظریه وابستگی اقتصادی همچنین، بر مفهوم "مبادله

نابرابر" تأکید دارد، که در آن مناطق حاشیه‌ای مانند گلستان محصولات خام (مانند محصولات کشاورزی) را با ارزش پایین صادر می‌کنند، در حالی که کالاهای صنعتی با ارزش افزوده بالا را از مناطق مرکزی وارد می‌کنند. این چارچوب کمک می‌کند تا نقش سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در ایجاد یا تداوم توسعه‌نیافتگی تحلیل کنیم و راهکارهایی مانند تنوع‌بخشی اقتصادی و تقویت صنایع تبدیلی را پیشنهاد دهیم.

نظریه سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی، که توسط رابرت پاتنام، پیر بوردیو، و جیمز کلنن توسعه یافته است، بر نقش روابط اجتماعی، اعتماد، و همکاری‌های بین‌گروهی در توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد (محمدی، ۱۴۰۰). سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل، و اعتمادی است که همکاری بین افراد و گروه‌ها را تسهیل می‌کند. در گلستان، تنوع قومیتی و فرهنگی (شامل ترکمن‌ها، فارس‌ها، سیستانی‌ها، و سایر گروه‌ها) می‌تواند به‌عنوان یک منبع قوی سرمایه اجتماعی عمل کند، اما ضعف در مدیریت این تنوع باعث شده است که این ظرفیت به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگیرد. برای مثال، عدم اعتماد بین گروه‌های قومی و نهادهای دولتی، مشارکت جامعه محلی در پروژه‌های توسعه‌ای را کاهش داده است. این نظریه هم‌چنین، به نقش سازمان‌های محلی، مانند تعاونی‌ها و انجمن‌های صنفی، در تقویت سرمایه اجتماعی و تسهیل توسعه صنعتی اشاره دارد. در گلستان، ضعف در شبکه‌های همکاری بین فعالان اقتصادی و فقدان نهادهای قوی محلی، مانع از جذب سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع کوچک و متوسط شده است. نظریه سرمایه اجتماعی به ما کمک می‌کند تا نقش تعاملات اجتماعی و اعتماد بین گروه‌های قومی گوناگون در توسعه اقتصادی و صنعتی را بررسی کنیم و راهکارهایی مانند تقویت سازمان‌های محلی و برنامه‌های آموزشی برای افزایش همکاری‌های بین‌گروهی ارائه دهیم.

ترکیب این سه نظریه، چارچوبی چندوجهی برای تحلیل توسعه‌نیافتگی گلستان ارائه می‌دهد. نظریه توسعه پایدار بر ضرورت توازن بین رشد اقتصادی، حفظ محیط زیست، و عدالت اجتماعی تأکید دارد و به شناسایی موانع زیست‌محیطی و اجتماعی در گلستان کمک می‌کند. نظریه وابستگی اقتصادی، ساختارهای کلان اقتصادی و نقش سیاست‌های ملی را در تداوم توسعه‌نیافتگی تحلیل می‌کند. نظریه سرمایه اجتماعی نیز بر اهمیت روابط اجتماعی و همکاری‌های محلی در غلبه بر موانع توسعه تمرکز دارد. این چارچوب ترکیبی، امکان بررسی عوامل اقتصادی (مانند وابستگی به کشاورزی)، اجتماعی (مانند تنوع قومیتی)، زیرساختی (مانند ضعف حمل‌ونقل)، و مدیریتی (مانند سیاست‌گذاری ناکارآمد) را به‌صورت یکپارچه فراهم می‌آورد و راهکارهایی متناسب با واقعیت‌های محلی و با این حال، هم‌راستا با اهداف توسعه پایدار پیشنهاد می‌دهد.

پیشینه تجربی

عباسی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که کمبود زیرساخت‌های صنعتی و ضعف در جذب سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین موانع توسعه صنعتی در مناطق شرقی ایران، از جمله گلستان، هستند. این مطالعه تأکید کرد که سیاست‌های متمرکز ملی و عدم توجه به ظرفیت‌های محلی، به تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای منجر شده است. رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی نقش زیرساخت‌های حمل‌ونقل در توسعه اقتصادی گلستان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که ضعف در شبکه راه‌آهن و بنادر، مانع از بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی استراتژیک این استان شده است. این پژوهش پیشنهاد داد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل می‌تواند به افزایش تجارت منطقه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری منجر شود. محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای دیگر به نقش مدیریت منابع انسانی در توسعه‌نیافتگی گلستان پرداختند. این پژوهش نشان داد که ناکارآمدی در مدیریت منابع انسانی، بویژه در بخش‌های صنعتی، باعث کاهش بهره‌وری و عدم جذب نیروی کار ماهر شده است. این مطالعه بر ضرورت آموزش و توانمندسازی نیروی کار محلی تأکید کرد. کریمی (۱۴۰۱) در پژوهشی به تحلیل وابستگی اقتصادی گلستان به بخش کشاورزی پرداخت و نشان داد که عدم تنوع‌بخشی به اقتصاد، یکی از عوامل اصلی توسعه‌نیافتگی این استان است. این مطالعه پیشنهاد داد که توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای

افزایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال عمل کند. عباسی (۱۴۰۳) در پژوهشی جدیدتر به بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر توسعه مناطق مرزی پرداخت. این مطالعه نشان داد که تمرکززدایی در سیاست‌گذاری و افزایش اختیارات استانی می‌تواند به بهبود وضعیت توسعه در گلستان کمک کند. این پژوهش همچنین، بر نقش مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعتی تأکید داشت. لی^۱ (۲۰۲۵) توسعه‌نیافتگی را از منظر جغرافیای انسانی بررسی کرده و آن را به‌عنوان حالتی از عقب‌ماندگی اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی تعریف می‌کند. عوامل کلیدی مانند استعمار، جهانی‌سازی، و تخریب محیط‌زیست به‌عنوان دلایل اصلی توسعه‌نیافتگی معرفی شده‌اند. این مطالعه همچنین، بر تأثیر نابرابری‌های تجاری و کاهش منابع طبیعی بر جوامع محلی تأکید دارد. نیونزیم^۲ (۲۰۲۴) بررسی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توسعه‌نیافتگی آفریقا پرداخته و نشان داده است که عواملی مانند بیماری‌ها، جنگ‌ها، فساد، و استعمار نقش مهمی در این پدیده ایفا کرده‌اند. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که عوامل خارجی، مانند تجارت برده و استعمار، تأثیری بیش‌تر نسبت به عوامل داخلی داشته‌اند. همچنین، پیشنهاد شده است که ادغام منطقه‌ای و سیاست‌های ضدفساد می‌توانند به توسعه پایدار کمک کنند. دباشیز^۳ (۲۰۲۲) بررسی علل توسعه‌نیافتگی در کشورهای جهان سوم پرداخته و بر نقش استعمار، نابرابری‌های تجاری جهانی، و فقدان سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت‌ها تأکید دارد. این مطالعه با استفاده از روش مرور ادبیات، امکان توسعه انسانی را از راه بهبود آموزش و توانمندسازی جوامع محلی بررسی کرده و پیشنهاد می‌دهد که اصلاح سیاست‌های جهانی می‌تواند توسعه را تسریع کند. گالوی^۴ و همکاران (۲۰۲۰) بررسی نقش آموزش به زبان انگلیسی در توسعه‌نیافتگی پرداخته و نشان می‌دهد که آموزش ناکافی و عدم دسترسی به آموزش باکیفیت، مانع از توسعه نیروی انسانی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. این مطالعه بر اهمیت آموزش به‌عنوان ابزاری برای افزایش فرصت‌های شغلی و توسعه اقتصادی تأکید دارد.

این مطالعات نشان‌دهنده شکاف پژوهشی در بررسی هم‌زمان عوامل اقتصادی، اجتماعی، و زیرساختی در توسعه‌نیافتگی گلستان هستند. این پژوهش با تمرکز بر این عوامل و استفاده از داده‌های به‌روز، تلاش می‌کند تا این شکاف را پر کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده می‌کند تا به تحلیل جامعی از عوامل توسعه‌نیافتگی گلستان دست یابد. رویکرد کیفی برای شناسایی عوامل بازدارنده از منظر ذی‌نفعان محلی و کارشناسان و رویکرد کمی برای تحلیل داده‌های آماری و شاخص‌های توسعه به کار گرفته شد. این رویکرد ترکیبی امکان بررسی عمیق و چندجانبه موضوع را فراهم می‌کند و به درک دقیق‌تری از پیچیدگی‌های توسعه‌نیافتگی منجر می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل دو بخش است. بخش کیفی: مدیران، کارشناسان و فعالان اقتصادی و صنعتی استان گلستان، شامل مدیران سازمان‌های دولتی (مانند سازمان صنعت، معدن و تجارت)، نمایندگان بخش خصوصی (مانند اتاق بازرگانی) و رهبران جوامع محلی (مانند شوراهای روستایی). بخش کمی: داده‌های آماری مرتبط با شاخص‌های توسعه اقتصادی و صنعتی، شامل نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری صنعتی و وضعیت زیرساخت‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ و پرسش‌نامه محقق ساخته بسته پاسخ که در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. در بخش کیفی، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام می‌شود. تعداد نمونه ۲۵ تا ۳۰ نفر از کارشناسان و مدیران محلی خواهد بود که تجربه مستقیم در زمینه توسعه اقتصادی و صنعتی دارند. معیارهای انتخاب شامل داشتن حداقل ۵ سال تجربه کاری مرتبط و آشنایی با چالش‌های توسعه منطقه است. در بخش کمی، داده‌های آماری از منابع رسمی مانند مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه استان گلستان، و وزارت صنعت، معدن و تجارت و شهروندان گردآوری شد. این داده‌ها شامل تمام شاخص‌های موجود در بازه زمانی موردنظر هستند.

¹. Lee

². Niyonzima

³. Debashis

⁴. Galloway

ابزارهای گردآوری داده مصاحبه نیمه ساختاریافته: با هدف شناسایی موانع توسعه از دیدگاه ذی‌نفعان محلی. سؤالات مصاحبه بر اساس چارچوب نظری و پیشینه پژوهش طراحی می‌شوند و شامل موضوعاتی مانند موانع زیرساختی، اقتصادی، اجتماعی، و مدیریتی هستند. سؤالات باز هستند تا امکان کاوش عمیق فراهم شود. تحلیل محتوای اسناد: با هدف استخراج اطلاعات از گزارش‌های رسمی و مطالعات پیشین. اسناد رسمی مانند گزارش‌های توسعه‌ای سازمان برنامه و بودجه، طرح‌های آمایش سرزمین و مقالات علمی منتشرشده در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴. داده‌های آماری: با هدف تحلیل شاخص‌های توسعه برای شناسایی الگوها و روندها. از داده‌های رسمی از مرکز آمار ایران (مانند نرخ بیکاری و تولید ناخالص داخلی)، گزارش‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت (مانند سرمایه‌گذاری صنعتی)، و سازمان برنامه و بودجه (مانند بودجه‌های تخصیص‌یافته). در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل محتوا با استفاده از روش تحلیل مضمون^۱ بررسی شدند. این روش شامل کدگذاری داده‌ها، شناسایی مضامین اصلی، و تدوین چارچوبی برای تحلیل موانع توسعه است. در بخش کمی، از تحلیل‌های آماری توصیفی و استنباطی، مانند تحلیل رگرسیون و تحلیل همبستگی، برای بررسی روابط بین متغیرهای اقتصادی و صنعتی استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از توصیف متغیرها و مفاهیم پژوهش نشان داد که از مجموع ۳۲۵ نمونه مورد بررسی، همچنان‌که پاسخگویان زن برابر با ۱۲۶ نفر (۳۸/۷۶) و مرد برابر با ۱۹۹ نفر (۶۱/۲۳) درصد می‌باشد. بیش‌ترین فراوانی گروه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد با تعداد ۱۶۵ فراوانی و (۵۰/۰۷) درصد می‌باشد. همچنین، تعداد پاسخگویانی که در رده سنی ۴۱-۵۰ سال بوده‌اند با تعداد ۱۶۵ و (۵۰/۳۹) درصد بیش‌ترین تعداد را شامل می‌شوند. افزون بر این، تعداد پاسخگویانی که سابقه خدمت خود را بین ۱۱ تا ۲۰ سال اعلام کرده‌اند با تعداد ۱۸۶ و (۵۷/۲۳) درصد بیش‌ترین تعداد را شامل می‌شوند. جدول ۱ توزیع نسبی متغیرهای پژوهش را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. توزیع نسبی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	تعداد	کمترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
آماره	آماره	آماره	آماره	انحراف خطا	آماره	آماره
اقتصادی	۳۲۵	۵	۳۵	۲۷/۲۳	۰/۷۵۲۵۱	۱۹/۳۵۱
اجتماعی	۳۲۵	۵	۳۵	۲۵/۰۵	۰/۳۲۱۳۲	۱۷/۳۲۵
فرهنگی	۳۲۵	۵	۳۵	۲۱/۱۲	۰/۲۶۳۱۴	۱۱/۱۱۴
سیاسی	۳۲۵	۵	۲۵	۱۹/۳۱	۰/۱۲۳۵۹	۹/۲۰۱
صنعتی	۳۲۵	۵	۴۰	۳۱/۲۷	۰/۳۲۱۴۸	۲۱/۳۰۶

پایایی و روایی مدل بیرونی مطالعه با استفاده از معیارهای آماری گوناگون، همانطور که توسط هایر^۲ و همکاران (۲۰۱۹) توصیه شده است، ارزیابی شد. این معیارها شامل "بارگذاری" بالای ۰/۷، "پایایی مرکب" بالای ۰/۷، "پایایی همسانی درونی" (آلفای کرونباخ) بالای ۰/۷ و "روایی همگرا" با واریانس متوسط استخراج شده بالای ۰/۵ است. سازه‌های مرتبه بالاتر برای ارزیابی مدل استفاده شد. تمام مقادیر جدول ۲ مقادیر آستانه مورد نیاز را برآورده کردند که نشان دهنده پایایی و روایی رضایت‌بخش است. برای بررسی روایی افتراقی، از روش معیار فورنل-لارکر استفاده شده و در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس این معیار، بارگذاری بیرونی (پررنگ) هر متغیر پنهان مشاهده نشده باید بیش‌تر از بارگذاری متقاطع با معیارهای دیگر باشد. با

^۱. Thematic Analysis

^۲. Hair

رعایت این معیار، روایی افتراقی تضمین شد. این یافته‌ها، یافته‌های قبلی پایایی مقیاس، اعتبار تفکیک‌کننده و اعتبار همگرا را که توسط مدل بیرونی اندازه‌گیری پژوهش تعیین می‌شود، پشتیبانی و اعتبار می‌بخشد. افزون بر این، موضوع چند خطی بودن وجود ندارد، زیرا همه عوامل تورم واریانس دارای مقادیر زیر ۰/۵ هستند. در نتیجه، می‌توانیم با استفاده از مدل بیرونی ساختاری به ارزیابی فرضیه‌های پژوهش اقدام کنیم.

جدول ۲. مدل اندازه‌گیری

سازه‌ها	آلفای کرونباخ	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
مؤلفه اقتصادی	۰/۹۴۱	۰/۹۶۱	۰/۸۷
مؤلفه اجتماعی	۰/۸۵۲	۰/۹۵۴	۰/۸۴
مؤلفه فرهنگی	۰/۸۶۱	۰/۸۵۷	۰/۸۶
مؤلفه سیاسی	۰/۸۲۵	۰/۹۶۳	۰/۸۹
مؤلفه صنعتی	۰/۸۴۷	۰/۹۷۴	۰/۸۸

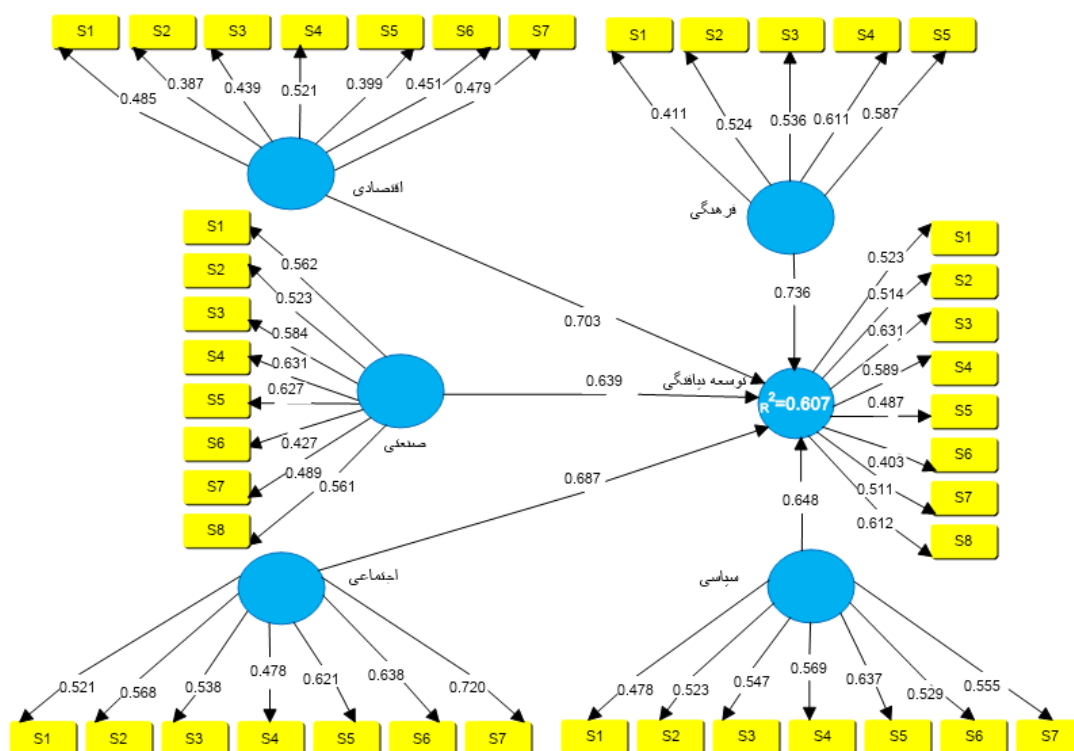
جدول ۳. اعتبار تشخیصی

متغیر	۱	۲	۳
اقتصادی	۰/۷۶۳		
اجتماعی	۰/۷۸۴	۰/۷۲۱	
فرهنگی	۰/۶۹۸	۰/۷۱۹	۰/۷۵۶

همان‌گونه که پیش تر ذکر شد، این مطالعه از نرم افزار SmartPLS 4 برای آزمون فرضیه‌ها از راه مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کرده است. هدف اصلی ارزیابی توانایی مدل برای توضیح و پیش‌بینی تغییرات در متغیرهای درون‌زا ناشی از متغیر برون‌زا بوده است. روابط با استفاده از آماره T و bootstrapping با ۵۰۰۰ نمونه فرعی مورد بررسی قرار گرفت. مدل ساختاری توضیحات جامعی از ضرایب مسیر و ضرایب تعیین (R²) ارائه می‌دهد که امکان درک دقیق روابط درون مدل را فراهم می‌کند (جدول ۴ و شکل ۱).

جدول ۴. ضرایب مسیر

مسیرها	بتا	انحراف معیار	مقدار آزمون t	نتیجه
عوامل اجتماعی < توسعه نیافتگی	۰/۳۹۶	۰/۰۶۵	۶/۲۱۷	تأیید
عوامل فرهنگی < توسعه نیافتگی	۰/۴۷۸	۰/۰۶۴	۵/۱۵۹	تأیید
عوامل اقتصادی < توسعه نیافتگی	۰/۳۱۸	۰/۰۶۹	۶/۵۴۷	تأیید
عوامل صنعتی < توسعه نیافتگی	۰/۵۲۱	۰/۰۷۱	۶/۳۲۵	تأیید
عوامل سیاسی < توسعه نیافتگی	۰/۴۸۶	۰/۰۷۷	۶/۳۵۲	تأیید



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

یافته‌های توصیفی

از ۱۸۰۰۰ کیلومتر بزرگراه‌های کشور، استان گلستان با ۲۸۴ کیلومتر رتبه ۲۲ است. با درآمد سرانه (Gdp) ۴۰۹۰۹۴۰۰۰ ریال برای هر نفر و (Gnp) ۸۹۳۷۵۶۰۰۰ ریال رتبه ۲۹ کشور در سال ۱۴۰۰ را به خود اختصاص داد. از درآمد استان ۲۵/۸ سهم بخش صنعت و معدن است.

طبق آمار سال ۹۹ از کل تولید کشور ۱/۱ مربوط به استان گلستان است و رتبه ۲۳ کشور را در اقتصاد ملی داراست. از ۲۰۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت استان، نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۱ معادل ۹/۷ درصد بوده است که نرخ بیکاره کشور نیز همین مقدار بوده است و رتبه ۱۸ کشور را داراست. نرخ بیکاری جمعیت ۲۴ تا ۲۵ سال کشور را به خود اختصاص داده است.

یافته‌های استنباطی

بنابراین، بی‌توجهی به ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی و عدم سرمایه‌گذاری در صنایع و زیر ساخت‌های زیر بنایی استان ریشه بسیاری از عقب ماندگی‌ها و کاستی‌هاست. هم‌چنین، طبق نظر صاحب نظران مفاهیمی مانند سرمایه‌گذاری ناکافی دولت، سرمایه‌گذاری ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی از طرف بخش دولتی در آمد سرانه پایین، ضعف سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد، قوانین دست و پاگیر در حوزه سرمایه‌گذاری، زیر ساخت‌های ناکافی و نامناسب، ضعف صنعت، لزوم شکل‌گیری گفتمان توسعه، استفاده ضعیف و اندک از پتانسیل نوار مرزی و ایجاد منطقه آزاد اشتغال ناکافی در حوزه کشاورزی و درصد بالای بیکاری، آموزش ضعیف و ناکافی در بخش کار آفرینی، رونق نا کافی بازار صنایع دستی و توجه اندک به

اکوتوریسم و صنعت گردشگری و صنایع دستی وابسته در استان اشاره کرده‌اند. از آنجایی که حرکت به سمت یک توسعه در جامعه زمانی صورت می‌گیرد که تناقضات فکری بین، سیاست، فرهنگ و اقتصاد در کشور کنار گذاشته شود. توسعه‌یافتگی در یک جامعه باید با استفاده از توانایی‌های فکری و سازماندهی نخبگان یک جامعه همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد.

اهم چالش‌های پیش روی توسعه استان

۱. ناترازی شدید در ورودی و خروجی منابع آبی زیرزمینی (برداشت دو برابر از حد مجاز، بهره‌وری پایین، سهم بالای مصرف سنتی و چاه غیر مجاز آب در بخش کشاورزی)
۲. کسری در تراز تولید مصرف برق (حداقل به میزان ۱۰۰۰ مگاوات در سال پایانی برنامه)
۳. پایین بودن سهم ضریب نفوذ فناوری ارتباطات و اطلاعات با رویکرد دانش بنیانی در بخش های اقتصادی استان
۴. عدم وجود پایانه های صادراتی محصولات کشاورزی در استان
۵. بهره گیری ناکافی از ظرفیت های ترانزیت و موقعیت ژئوپلیتیک استان برای تقویت تجارت خارجی
۶. کاهش توان سرزمین ناشی از مخاطرات زیست محیطی (نظیر خلیج گرگان) و گسترش بیابان زایی ناشی از اثرات زیست بوم‌های خارجی
۷. فقدان صنایع بزرگ مقیاس و متوسط بویژه در صنایع تبدیلی متناسب با ظرفیت های اقتصادی استان
۸. رتبه آخر استان در برخورداری از سرمایه‌گذاری‌های دولتی گذشته و سازمان های توسعه گر
۹. نقصان در اتصال ایمن و کارا به شبکه های حمل و نقل ملی بین‌المللی در حوزه جاده ای، ریلی و دریایی
۱۰. کمبود سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و عدم حضور هلدینگ‌های بزرگ سرمایه‌گذاری داخلی و شرکت‌های معتبر بین‌المللی خارجی یا شرکت های چند ملیتی در استان

نتایج حاصل از روش کیفی

با توجه به ضرورت و اهمیت تعادل منطقه‌ای و کاهش محرومیت از استان‌ها در پاسخ به مشکلات راهبردهای اساسی برای توسعه و بهبود وضع استان های کشور و کاهش نابرابری‌ها پیشنهاد های زیر ارائه می‌شود:

- ریاست جمهوری (بویژه حوزه معاونت اجرایی رییس جمهور) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان نهادهای عالی سیاست‌گذاری، اجرایی، هماهنگی و نظارت بر امور استان‌ها می‌توانند با توجه به نتایج بدست آمده در برنامه‌ریزی برای تقویت و توزیع متعادل اعتبارات استان‌ها در رفع محرومیت زدایی برآیند.

- انطباق شاخص‌های توسعه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

- طراحی سیستم آنلاین رصد توسعه استان‌ها

- شناسایی استعدادها و توانایی های هر استان و تعیین بخش پیشرو در توسعه استان

- تدوین برنامه‌های توسعه منطقه ای برای هر یک از استان‌ها در چارچوب برنامه توسعه ملی و با توجه به ویژگی‌های خاص آن استان

- شناخت علت عدم توسعه، شناخت نقاط ضعف و عوامل تهدیدکننده اقتصاد استان‌ها و استفاده از روش ها و ابزار قوی مطالعاتی برای رفع آنها

- تمرکز زدایی اقتصادی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور

- تهیه برنامه آمایش سرزمینی برای مناطق گوناگون.

- تخصیص اعتبارات ویژه برای استان های محروم با توجه به نتایج مقالات و پژوهش‌های انجام شده . - توسعه و گسترش امکانات و منابع در استان های مرزی می‌تواند نقش اساسی در تقویت همکاری‌های بین مرزی با کشورهای همسایه و جهان اسلام داشته

باشد و هم می‌تواند آهنگ توسعه را در سطح ملی تسریع کند. چنانچه اگر نابرابری‌های ناحیه‌ای با روند فعلی تداوم یابد، به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی می‌انجامد و درآینده نابسامانی‌های بیش‌تر به ویژه در مناطق مرزی دور از انتظار خواهد بود.

نتایج حاصل از روش کمی

جدول یک

جایگاه استان گلستان بر اساس آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان در سال ۱۴۰۰ به این صورت می‌باشد:

ردیف			
۱	طبق آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰	استان گلستان با ۲/۳۵ درصد جمعیت کشور طبق آمار سال ۱۳۹۵ رتبه ۱۴ کشور	نفر (۱/۹۷۵/۹۱۸) میلیون
۲	نرخ بیکاری در استان - جمعیت ۱۵ سال به بالا در سال ۱۴۰۱	۹/۷ درصد و در کشور ۹/۷ درصد	رتبه هیجدهم کشور
۳	نرخ بیکاری در سن ۱۵ تا ۲۴ سال	۲۱/۱ درصد و در کشور ۲۳/۷ درصد	رتبه هشتم کشور
۴	سهم اشتغال ناقص استان گلستان	۱۷ درصد و میانگین کشور ۱۰/۲ درصد	رتبه چهارم کشور
۵	نرخ مشارکت اقتصادی در ۱۴۰۰	استان گلستان ۳۸ درصد و کشور ۴۰/۹ درصد	رتبه ۲۴ کشور
۶	سهم شاغلان در بخش کشاورزی	استان گلستان ۲۴/۳ درصد و میانگین کشور ۱۶/۳ درصد	رتبه دهم کشور
۷	سهم شاغلان در بخش خدمات	استان گلستان ۴۵/۸ درصد و میانگین کشور ۴۹/۸ درصد	رتبه ۱۹ کشور
۸	سهم شاغلان صنعت	۲۹/۹ درصد و میانگین کشور ۳۳/۸ درصد	رتبه استان ۲۱

میزان سهم تولید استان گلستان به میلیارد ریال در سال ۹۸

ارزش افزوده استان در بخش کشاورزی	۱۲۱۳۳۳ میلیارد ریال	۳/۷ درصد کل درآمد کل کشور رتبه دهم کشور
صنعت و معدن	۵۲۸۱۳ میلیارد ریال	سهم استان از کشور ۰/۵ رتبه ۲۶
ساختمان	۳۲۶۶۲ م ر	سهم از کل ۰/۸ درصد رتبه ۲۰ کشور
خدمات	۲۴۰۱۱۷ م ر	۱/۴ رتبه ۱۹ کشور

نتایج حاصل از روش کیفی

با توجه به ضرورت و اهمیت تعادل منطقه ای و کاهش محرومیت از استان‌ها در پاسخ به مشکلات راهبردهای اساسی برای توسعه و بهبود وضع استان‌های کشور و کاهش نابرابری‌ها پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ریاست جمهوری (بوژه حوزه معاونت اجرایی رییس جمهور) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان نهادهای عالی سیاست‌گذاری، اجرایی، هماهنگی و نظارت بر امور استان‌ها می‌توانند با توجه به نتایج بدست آمده در برنامه‌ریزی برای تقویت و توزیع متعادل اعتبارات استان‌ها در رفع محرومیت‌زدایی برآیند.

- انطباق شاخص‌های توسعه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

- طراحی سیستم آنلاین رصد توسعه استان‌ها

- شناسایی استعدادها و توانایی‌های هر استان و تعیین بخش پیشرو در توسعه استان

- تدوین برنامه‌های توسعه منطقه ای برای هر یک از استان‌ها در چارچوب برنامه توسعه ملی و باتوجه به ویژگی‌های خاص آن استان

- شناخت علت عدم توسعه، شناخت نقاط ضعف و عوامل تهدیدکننده اقتصاد استان‌ها و استفاده از روش‌ها و ابزار قوی مطالعاتی برای رفع آنها

- تمرکز زدایی اقتصادی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور

- تهیه برنامه آمایش سرزمینی برای مناطق گوناگون

- تخصیص اعتبارات ویژه برای استان‌های محروم با توجه به نتایج مقالات و پژوهش‌های انجام شده. - توسعه و گسترش امکانات و منابع در استان‌های مرزی می‌تواند نقش اساسی در تقویت همکاری‌های بین مرزی با کشورهای همسایه و جهان اسلام داشته باشد و هم می‌تواند آهنگ توسعه را در سطح ملی تسریع کند. چنانچه اگر نابرابری‌های ناحیه ای با روند فعلی تداوم یابد، به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی می‌انجامد و در آینده نابسامانی‌های بیش‌تر بویژه در مناطق مرزی دور از انتظار نخواهد بود.

پیشنهادهای پژوهش

برای برون رفت از توسعه نیافتگی استان راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تقویت مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- ۲- ایجاد بسترهای زیر ساختی در زمینه صنعتی و اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار
- ۳- برنامه ریزی جهت ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی در حوزه مواد اولیه و خام موجود در استان گلستان (معدن صنعت و کشاورزی)
- ۴- حمایت از تولید کنندگان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توسط دولت
- ۵- توسعه سرمایه‌گذاری بخش دولتی در راستای حمایت از بخش خصوصی از قبیل بومگردی و اکوتوریسم
- ۶- توسعه کسب و کارهای کشاورزی با رویکرد کار آفرینی که از ملزومات توسعه پایدار بخش کشاورزی بشمار می‌رود به عنوان راهبرد توسعه استان در نظر گرفته شود.
- ۷- ترسیم جغرافیای کار آفرینی کشاورزی در سطح استان مطالعه جامع برای دستیابی به سند آمایش سرزمین در توسعه کسب و کارهای کشاورزی و تمرکززدایی اقتصادی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور
- ۸- برگزاری یک همایش توسعه‌ای و تهیه برنامه آمایش سرزمینی با موضوع فرصت‌ها و چشم اندازهای کسب و کار کشاورزی در استان گلستان
- ۹- عدم سرمایه‌گذاری در جهت حفظ قدرت رقابت و مزیت نسبی در دو بخش پایه ای استان، یعنی بخش صنایع وابسته به کشاورزی و کشاورزی سبب تغییر ساختار اقتصاد استان به افزایش سهم خدمات و کاهش سهم بخش کشاورزی شد که شوک منفی بر این بخش‌ها باعث اثر منفی در اقتصاد منطقه شده لذا، برنامه‌ریزان منطقه بایستی سرمایه‌گذاری بیش‌تر برای افزایش توان تولیدی در این بخش‌ها جهت رشد و توسعه انجام دهند.
- ۱۰- تمرکز صنعت و صنایع مرتبط با کشاورزی و غیره در منطقه نوار مرزی و زمین‌های بلااستفاده نوار مرزی شمال استان
- ۱۱- مقدار ۸۷۰۰۰۰ هکتار از حدود ۲ میلیون هکتار اراضی استان مرتع است. با توجه به قطب کشاورزی بودن استان، اولویت سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد کشاورزی بر مراتع است؛ هم‌چنین، حدود ۱۱۰ هزار هکتار زمین‌ها و اراضی شیب‌دار می‌باشد که جهت کشت زیتون و گردو مناسب‌اند.
- ۱۲- تثبیت اشتغال موجود در استان باید به عنوان یک اولویت استراتژیک در نظر گرفته شود. در زمینه اقتصاد ساحل‌نشینان که روزی آنها متکی به دریاست، با افزایش صنعت بومی آبزیان از قبیل پرورش ماهی در قفس، گسترش فاز ۲ و ۳ پرورش میگو در گمیشان و تکمیل فرایند زیر ساختی صنایع تبدیلی وابسته به شیلات و آبزیان باید به این سمت حرکت کرد.

۱۳- در بخش ترکمن صحرا با توجه به اکولوژی و جغرافیای صحرایی، باید صنعت شترداری، گاو میش داری و پرورش شتر مرغ مورد مطالعه و استفاده قرار گیرد.

۱۴- در بخش اقتصاد جنگل با توجه به این که در استان گونه‌های نادر جنگلی از قبیل سرخدار و سرونوش وجود دارد که در دنیا بی‌نظیرند، با خصوصی‌سازی، حق بهره برداری اصولی و احیاء مراتع و جنگل‌ها در غالب طرح‌های ترویجی به اقتصاد روستاییان حاشیه جنگل در راستای نهال کاری در روستاهای اطراف جنگل توجه شود.

۱۵- صنایع تبدیلی بخش کشاورزی شامل مرکبات، سیب زمینی، انار، گوجه فرنگی، محصولات تولیدی باغی و غیره فرصتی مناسب پیش روی استان گلستان می‌باشد.

۱۶- ترویج کشت داروهای گیاهی و گلخانه‌ای از قبیل زعفران، گل گاو زبان، گل نرگس و گل‌های زینتی زمینه‌ای مناسب در راستای ترویج اقتصاد خانواده و اقتصاد روستا محور می‌باشد.

۱۷- در زمینه اقتصاد دریا، با گسترش مشارکت مردمی در صید مسئولانه و افزایش تولید آبزیان با اتکاء به آب دریا و استفاده از فن آوری‌های نوین، از قبیل سیستم قفس و پرورش ماهیان زینتی، استفاده از چاههای دومنظوره کشاورزی، تقویت رویکرد بازار محوری، توسعه صنایع وابسته فرآوری محصولات شیلاتی، توسعه صادرات و ارزآوری و در نهایت، ترویج سرانه مصرف ماهی در استان باعث رونق اقتصاد حاشیه‌نشینان دریا شود.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پژوهش مورد نظر دسترسی به آمار بروز در زمینه شاخص‌های مهم توسعه‌ای استان بوده که با توجه به این که جمع‌بندی آمار و یافته‌های نهایی دستگاههای اجرایی استان توسط سامانه سیما بر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان حدود یکسال عقب تر می‌باشد کمی راستی آزمایی و به روز کردن آمار نهایی و یافته‌های آماری را مشکل می‌سازد و از وجه دیگر دسترسی به مدیران اجرایی و حلقه مدیریتی استان از جمله استاندار و معاونین و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در استان و برخی از مدیران کل مرتبط با پژوهش بخاطر مشغله اداری آنها کمی مشکل‌ساز بوده و از طرفی دسترسی به همه جامعه نخبگانی امکان‌پذیر نبوده علی‌ای حال طبق دسترسی به برخی از آنان ارائه پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری به گردآوری داده و آنالز آنها همت گماشته شد.

منابع

- رحمانی، محمود. (۱۴۰۲). توسعه پایدار و چالش‌های زیست‌محیطی در استان گلستان. فصلنامه محیط‌زیست و توسعه، ۷(۲)، ۱۵-۳۰.
- رحیمی، عباس. (۱۳۹۶). توسعه پایدار و چالش‌های توسعه‌نیافتگی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیمی، عباس، شریفی، محمد، و حسینی، سعید. (۱۳۹۹). نقش زیرساخت‌های حمل‌ونقل در توسعه اقتصادی استان گلستان. فصلنامه اقتصاد منطقه‌ای، ۸(۲)، ۳۸-۲۳.
- عباسی، محمد. (۱۴۰۳). تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر توسعه مناطق مرزی. مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۸(۱)، ۵۶-۷۱.
- عباسی، محمد، احمدی، حسن، و رضایی، علی. (۱۳۹۶). تحلیل موانع توسعه صنعتی در مناطق شرقی ایران. مجله توسعه منطقه‌ای، ۱۲(۳)، ۶۰-۴۵.
- کریمی، سعید. (۱۴۰۱). وابستگی اقتصادی و توسعه‌نیافتگی در استان گلستان. مجله مطالعات اقتصادی، ۱۵(۴)، ۲۷-۱۲.
- محمدی، حسین. (۱۴۰۰). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای: مطالعه موردی استان گلستان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۱)، ۷۸-۹۲.

محمدی، حسین، اکبری، مهدی، و پورعلی، رضا. (۱۴۰۰). مدیریت منابع انسانی و توسعه نیافتگی در گلستان. مجله مدیریت توسعه، ۹(۳)، ۳۴-۴۹.

Debashis, S. (2022). Causes of underdevelopment in third world countries. *Journal of Development Studies*, 48(3), 123-140. <https://doi.org/10.1080/00220388.2022.1234567>

Galloway, N., Numajiri, T., & Rees, G. (2020). The role of English language education in underdevelopment. *International Journal of Educational Development*, 76, 102-115. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2020.102115>

Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2019). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Lee, J. (2025). Underdevelopment from a human geography perspective. *Geographical Review*, 115(1), 45-60. <https://doi.org/10.1111/gere.12456>

Niyonzima, T. (2024). Internal and external factors affecting Africa's underdevelopment. *African Development Review*, 36(2), 89-105. <https://doi.org/10.1111/afdr.12345>

Study of Factors Affecting Underdevelopment of Golestan Province With Emphasis on Economic and Industrial Development

Mohammad Reza Deylami Rad^{1*}, Mojtaba Ranjbar²

Article Info	Abstract
Article type: Research Article	Golestan Province, despite its natural, human potential, and strategic geographical location, is still among the less developed regions of Iran. This study aimed to investigate the factors affecting the underdevelopment of this province, with an emphasis on economic and industrial aspects. The inhibiting factors identified included weak industrial and transportation infrastructure, over-dependence on the agricultural sector, inefficient resource management, and lack of investment. Ethnic diversity, although a potential for development, has sometimes become a social and economic challenge due to inefficient management. This study analyzed the barriers to development using a mixed approach (qualitative and quantitative) and the theoretical framework of sustainable development, economic dependency, and social capital. Data were collected from semi-structured interviews with managers and experts, content analysis of official documents, and statistical data (2016-2017). The results showed that economic, social, cultural, political, and industrial factors have a significant impact on underdevelopment. The proposed solutions include strengthening infrastructure, economic diversification, developing transformation industries, and increasing social participation. This research can be used as a model for reducing regional inequalities in Iran.
Keywords	Underdevelopment, Economic Development, Industrial Development, Golestan Province

Publisher: Islamic Azad University Qods Branch
Corresponding Author: Mohammad Reza Deylami Rad
Email: m.deilamirad53@gmail.com

-
1. PhD Student in Development Management, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (Corresponding Author)
 2. Assistant Professor of Management and Accounting, East Golestan Institute of Higher Education, Gonbad Kavous, Iran
-